

عدم اثبات قصاص با شهادت زنان

آیا قصاص با شهادت زنان ثابت می شود؟

همان گونه که در بحث شهادت انفرادی زنان بررسی شد شهادت انفرادی زنان جز در موارد خاص پذیرفته نیست و عدم اعتبار آن از نظر فقهای شیعه بلکه فقهای اسلام قطعی و مسلم است؛ اما آیا با شهادت زنان با انضمام مردان قصاص ثابت می شود؟

اهل سنت به اتفاق شهادت زنان را در حدود و قصاص رد کرده اند. در کتاب الفقه علی المذاهب الاربیعه آورده است: «قال الزهری: مضت السنة من لدن رسول الله صلی الله علیه و سلم و الخليفتین بعده أن لا تقبل شهادة النساء في الحدود والقصاص»

اما در میان فقهای شیعه نظریه قبول شهادت زنان در قصاص با انضمام مردان مطرح شده است.

در مختلف گفته است:

قوی فی (المبسوط) قبول شهادتهن مع الرجال فی الجنایة الموجبة للعقود «۵».
..و الظاهر من کلام ابن أبي عقیل: القبول.- مختلف.

در تکمله منهاج هم آمده است:

ثم إن عن جماعة منهم: الشيخ فی المبسوط و الفاضل «۲» ثبوت القصاص بشاهد و امرأتين، و هو مختار المحقق هنا «۱»، و لكنه اختار عدم ثبوته بهما في باب القصاص «۲»، فيبين عبارته تهافت. و كيف كان، فالظاهر عدم الثبوت كما عرفت.

نقول: عبارت شیخ در مبسوط چنین است:

فاما حق الأدّمي فإنه ينقسم في باب الشهادة ثلاثة أقسام. أحدها لا يثبت إلا بشاهدين ذكرين، و هو ما لم يكن مالا ولا المقصود منه المال و يطلع عليه الرجال، كالنكاح، والخلع، و الطلاق، و الرجعة، و التوكيل، و الوصية إليه، و الوديعة، و الجنایة الموجبة

للقود، و العتق، و النسب، و الكتابة، و قال بعضهم: يثبت جميع ذلك بشاهد و امرأتين و هو الأقوى إلا القصاص.

نقول: طبق عبارت فوق بعضى از فقها شهادت زنان منضم به مردان را در جنایت موجب قود پذيرفته اند و در نتيجه هم ديه و هم قصاص را برا آن مترتب دانسته اند ولی ايشان فقط ترتيب ديه را پذيرفته و قصاص را نفي کرده است. بنابر اين، اولاً، برخى فقها قصاص را هم با شهادت زنان ثابت می دانند و ثانياً، ايشان اين نظر در مبسوط هم هم چون نهايه و خلاف رد کرده است.

محقق صاحب شرائع به اين نظر در كتاب نکت تصريح کرده است.
و يجوز شهادة النساء في القتل و القصاص إذا كان معهن رجال أو رجال: بأن
يشهد رجال و امرأتان على رجل بالقتل أو الجراح، فأما شهادتهن على الانفراد
فإنها لا تقبل على حال.- نکت النهايه محقق ره
اما مرحوم مفيد و شيخ ره در نهايه و خلاف بر عدم اعتبار تصريح نموده اند:
مفید ره: و لا تقبل **شهادة النساء** في النكاح و الطلاق و رؤية الھلال و **القصاص**
و الدماء.- احكام النساء

و قد منع في (الخلاف) من قبول شهادتهن في القتل الموجب للقود و نحو ذلك ما لم يكن مالا و لا المقصود منه المال «٤».. و قال في (النهاية): تجوز شهادة النساء في القتل و القصاص إذا كان معهنّ رجل، لئلا يبطل دم امرئ مسلم، غير أنه لا يثبت بشهادتهنّ القود، و تجب بها الديمة على الكمال «٥».. و منع ابن إدريس من قبول شهادتهنّ مع الرجال - مختلف

ادله نظريه اعتبار شهادت زنان برای قصاص:

رواياتي که برای این نظریه قابل استدلال است چند دسته است:

اول: روایاتی که فقط بر اثبات قتل با شهادت زنان دلالت دارد و متعرض آثار که آیا پس از آن قاتل باید قصاص شود یا دیه بپردازد نشده است. برخی از این روایات تصریح کرده است که باید شهادت منضم به مردان باشد و برخی هم مطلق است:

۱. «٦ - ٢٥ - ٣٣٩٣» وَ عَنْهُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْفُضَيْلِ عَنْ أَبِي الصَّبَاحِ الْكَنَانِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنْ قَالَ عَلَيْهِ شَهَادَةُ النِّسَاءِ تَجُوزُ فِي النِّكَاحِ وَ لَا تَجُوزُ فِي الطَّلاقِ - وَ قَالَ إِذَا شَهَدَ ثَلَاثَةُ رِجَالٍ وَ امْرَأَتَانِ جَازَ فِي الرَّجْمِ - وَ إِذَا كَانَ رَجُلًا وَ أَرْبَعُ نِسْوَةً لَمْ يَجُزْ - وَ قَالَ تَجُوزُ شَهَادَةُ النِّسَاءِ فِي الدَّمِ مَعَ الرِّجَالِ
۲. «٦ - ٣٢ - ٣٣٩٤» وَ بِإِسْنَادِهِ عَنْ يُونُسَ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ عَنْ الْمُفَضَّلِ بْنِ صَالِحِ عَنْ زَيْدِ الشَّحَامِ قَالَ سَأَلَتْهُ عَنْ شَهَادَةِ النِّسَاءِ قَالَ - فَقَالَ لَا تَجُوزُ شَهَادَةُ النِّسَاءِ فِي الرَّجْمِ - إِلَّا مَعَ ثَلَاثَةِ رِجَالٍ وَ امْرَأَتَيْنِ - فَإِنْ كَانَ رَجُلًا وَ أَرْبَعُ نِسْوَةً - فَلَا تَجُوزُ فِي الرَّجْمِ قَالَ فَقُلْتُ - أَفَتَجُوزُ شَهَادَةُ النِّسَاءِ مَعَ الرِّجَالِ فِي الدَّمِ قَالَ نَعَمْ.

این روایات، هم بر این معنی قابل حمل است که شهادت زنان در اثبات قتل و خون (ریخته شده) قبول است و هم بر این که شهادت زنان در موردی که مستلزم (ریختن) خون است یعنی قصاص قبول است. که در معنای دوم بالمتابقه قصاص را شامل می شود و در اول بالملازمه؛ زیرا وقتی قتل ثابت شد از نظر اسلام قاتل محکوم به قصاص است. در هر صورت، دلالت روایات بر مدعای تام است.

ب: روایتی است که صراحتاً شهادت بر قصاص را پذیرفته است:

«٧ - ١ - ٣٣٩٠٩» وَ مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ عَنْ عَلَىٰ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ جَمِيلِ بْنِ دَرَاجٍ وَ مُحَمَّدٌ بْنُ حُمَرَانَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنْ قَالَ قُلْنَا أَ تَجُوزُ شَهَادَةُ النِّسَاءِ فِي الْحُدُودِ - فَقَالَ فِي الْقَتْلِ وَ حَدَّةٌ إِنَّ عَلِيًّا عَ كَانَ يَقُولُ - لَا يَبْطُلُ دَمُ امْرِئٍ مُسْلِمٍ.

این روایت بر معنای دومی که در روایت بالا گفته شد قابل حمل نیست زیرا سوال از اجرای حدود در اثر شهادت زنان است و روشن است که اخذ دیه اجرای حد نمی باشد.

بنابر این، دلالت این روایت هم مانند روایات بالا بر مدعای تمام است.

ج: سایر روایات

۱. خبر محمد بن قیس عن أبي جعفر (عليه السلام) قال: «قضى أمير المؤمنين (عليه السلام) في غلام شهدت عليه امرأة أنه دفع غلاماً في بئر فقتله، فأجاز شهادة المرأة بحساب شهادة المرأة»

این روایت ظهوری در اثبات قصاص ندارد زیرا معلوم نیست که انفاد شهادت نسبت به اجرای قصاص است یا پرداخت دیه. اما مراد از جمله «فاجاز شهاده المرأة بحساب ..» این است که در اینجا هم تعداد زنان مساوی مردان نیست بلکه به همان حساب نصف مردان محاسبه می شود.

۲. «٤» - ٣١ - ٣٣٩٣٩ - وَبِإِسْنَادِهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْحَمِيدِ عَنْ - سَيِّفِ بْنِ عَمِيرَةَ عَنْ مَنْصُورِ بْنِ حَازِمٍ قَالَ حَدَّثَنِي التَّقَهُ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ عَ قَالَ إِذَا شَهَدَ لِصَاحِبِ «الْحَقِّ» امْرَأَتَانِ وَ يَمِينَهُ فَهُوَ جَائِزٌ.

۱. نقول: هر چند در نظر اولیه صاحب حق شامل ولی دم هم می شود ولی از آنجا که مسلمان شهادت در اثبات قتل و قصاص جنبه اماریت دارد و از این رو، شهادت باید حسی باشد و شهادت حدسی پذیرفته نیست بنابر این، یمین ولی دم که در غالب موارد و یا در بسیاری از موارد شاهد قتل نبوده است نمی تواند ثابت کننده قتل باشد و چنین چیزی بر خلاف قاعده است مگر این که دلیل روشنی آن را آن گونه که در قسامه وارد شده اعتبارش را ثابت کند و به عبارت دیگر چنین اطلاقی مسلمان برای اثبات این حکم خلاف قاعده کافی نیست.

ادله نظریه عدم اعتبار شهادت زنان مطلقاً برای قصاص

برای این نظریه هم به چند دسته روایات می‌توان استدلال کرد:

الف: روایاتی که به صورت مطلق به عدم اعتبار شهادت زنان در حدود و قصاص اشاره کرده است.

۱. ۳۳۹۳۷ - ۲۹ - «۷) وَإِسْنَادِهِ عَنْ أُبْيِ الْقَاسِمِ بْنِ قُولَوِيهِ عَنْ أُبْيِهِ عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أُبْيِ عَبْدِ اللَّهِ الْبَرْقِيِّ عَنْ أُبْيِهِ عَنْ غِيَاثِ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أُبْيِهِ عَنْ عَلَىٰ عَلَىٰ قَالَ لَا تَجُوزُ شَهَادَةُ النِّسَاءِ فِي الْحُدُودِ وَلَا فِي الْقَوَدِ.

۲. ۳۳۹۳۸ - ۳۰ - «۱) وَعَنْهُ عَنْ (عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْمُفَضْلِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ هِلَالٍ) ۲) عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ الْأَشْعَثِ عَنْ مُوسَى بْنِ إِسْمَاعِيلَ بْنِ جَعْفَرٍ عَنْ أُبْيِهِ عَنْ آبَائِهِ عَنْ عَلَىٰ عَلَىٰ قَالَ لَا تَجُوزُ شَهَادَةُ النِّسَاءِ فِي الْحُدُودِ وَلَا قَوَدِ.

ب: روایاتی که بر عدم اعتبار شهادت زنان در قتل و دم اشاره کرده است. همان دو احتمال قبل در مورد روایت اول که تعییر قتل در آن آمده بود در این

روایات هم وجود دارد و قتل و دم قبل حمل بر قتل انجام شده و یا قتل در نتیجه قصاص می‌باشد ولی در اینجا مشکلی ایجاد نمی‌کند زیرا عدم اعتبار شهادت زنان در اثبات قتل انجام شده، هم دیه و هم قصاص را نفی می‌کند.

۱. ۳۳۹۳۶ - ۲۸ - «۵) وَإِسْنَادِهِ عَنِ ابْنِ أُبْيِ عُمَيْرٍ عَنْ حَمَادٍ عَنْ رَبِيعِيٌّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أُبْيِ عَبْدِ اللَّهِ عَلَىٰ قَالَ إِذَا شَهَدَ ثَلَاثَةُ رِجَالٍ وَامْرَأَتَانِ لَمْ يَجُزْ فِي الرَّجْمِ - وَلَا تَجُوزُ شَهَادَةُ النِّسَاءِ فِي الْقُتْلِ

۲. «۶» - ۴ - ۳۳۹۱۲ - وَعَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلَىٰ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ عَلَىٰ بْنِ أُبْيِ حَمْزَةَ عَنْ أُبْيِ بَصِيرٍ قَالَ سَأَلْتُهُ عَنْ شَهَادَةِ النِّسَاءِ - فَقَالَ

تَجُوزُ شَهادَةِ النِّسَاءِ وَخْدَهُنَّ - عَلَى مَا لَا يَسْتَطِيعُ الرِّجَالُ النَّظَرَ «٧» إِلَيْهِ - وَتَجُوزُ شَهادَةِ النِّسَاءِ فِي النِّكَاحِ إِذَا كَانَ مَعَهُنَّ رَجُلٌ - وَلَا تَجُوزُ فِي الطَّلاقِ وَلَا فِي الدَّمِ - غَيْرَ أَنَّهَا تَجُوزُ شَهادَتُهَا «١» فِي حَدِّ الزِّنَا - إِذَا كَانَ ثَلَاثَةُ رِجَالٍ وَامْرَأَتَانِ - وَلَا تَجُوزُ شَهادَةِ رَجُلَيْنِ وَأَرْبَعِ نِسَوَةٍ .

٣. وَلَا تَجُوزُ شَهادَةِ رَجُلَيْنِ وَأَرْبَعِ نِسَوَةٍ فِي الرِّبَّا وَالرَّجْمِ - وَلَا تَجُوزُ شَهادَتُهُنَّ فِي الطَّلاقِ وَلَا فِي الدَّمِ .

٤. «٧» - ٤٢ - ٣٣٩٥٠ وَبِإِسْنَادِهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ يَحْيَى عَنْ بُنَانَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ الْمُغِيرَةِ عَنِ السَّكُونِيِّ عَنْ جَعْفَرٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَلَيِّ عَنْ أَنَّهُ كَانَ يَقُولُ شَهادَةُ النِّسَاءِ لَا تَجُوزُ فِي طَلاقٍ - وَلَا نِكَاحٍ وَلَا فِي حُدُودٍ إِلَّا فِي الدِّيُونِ - وَمَا لَا يَسْتَطِيعُ الرِّجَالُ النَّظَرَ إِلَيْهِ .

٥. «٢» - ١١ - ٣٣٩١٩ وَعَنْ عِدَّةِ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ أَبِي نَجْرَانَ عَنْ مُشَنَّى الْحَنَاطِ عَنْ زُرَارَةَ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ عَنْ شَهادَةِ النِّسَاءِ تَجُوزُ فِي النِّكَاحِ - قَالَ نَعَمْ وَلَا تَجُوزُ فِي الطَّلاقِ قَالَ - وَقَالَ عَلَيِّ عَنْ تَجُوزِ شَهادَةِ النِّسَاءِ فِي الرَّجْمِ - إِذَا كَانَ ثَلَاثَةُ رِجَالٍ وَامْرَأَتَانِ - وَإِذَا كَانَ أَرْبَعُ نِسَوَةٍ وَرَجُلَانِ فَلَا يَجُوزُ الرَّجْمُ - فُلِتْ تَجُوزُ شَهادَةِ النِّسَاءِ مَعَ الرِّجَالِ فِي الدَّمِ قَالَ لَا .

روایت اخیر فقط نافی شهادت منضم به رجال است که به طریق اولی شهادت انفرادی را هم نفی می کند این روایت معارض دو روایت کنانی و شحام است.

پس این روایات صریح در نفی اعتبار شهادت زنان برای اثبات قصاص است. اما در مورد نفی اثبات دیه ظهوری ندارد زیرا دو روایت اخیر که ظاهرشان فقط نفی قصاص است و روایت اول هم قابل حمل بر همین مورد است یعنی مراد روایت نفی شهادت زنان برای اثبات قتل نباشد بلکه مقصود نفی شهادت بر چیزی است که نتیجه اش قتل باشد.

نظریه:

با توجه به وجود چند دسته روایت متعارض جمعبنده آنها به نحو زیر خواهد بود:

۱. دو دسته روایت در مورد شهادت انضمامی داریم که با یکدیگر معارض هستند: یکی، روایت زراره که به نفی اعتبارشهادت انضمامی تصريح کرده است و دیگری، دو روایت کنانی و شحام که مثبت اعتبارشهادت انضمامی هستند صراحةً. این دو دسته در تعارض، از اعتبار ساقط می شوند؛ مگر این که روایت زراره به جهت موافقت با عame کنار گذاشته شود و یا این که دو روایت فوق بر قبول شهادتشان در جایی که مشهود به دم است حمل شود و روایت زراره هم قرینه شود بر این که این دو روایت ناظر به اثبات دیه هستند نه قصاص.
۲. دو دسته روایات معارض دیگر نیز داریم که یکی شهادت نساء را در حدود و قصاص به صورت مطلق نفی می کند، مثل غیاث بن ابراهیم و دیگری صحیحه حمران است که شهادت را در قتل صریحاً معتبر شمرده است. این دو دسته هم تساقط می کنند.
۳. باقی مانده دسته ای از روایات است که شهادت زنان در دم و قتل را نفی می کند که در صورت حمل بر مشهود به، هم شامل قصاص می شود و هم شامل دیه و قدر میتفن اطلاق این روایات، مورد قصاص است.
نتیجه این که بر اساس روایات دسته سوم، و نیز روایت زراره عدم اعتبار شهادت زنان مطلقاً برای قصاص ثابت می شود.